



مبانی اسلامی حدود رازداری در فرآیند مشاوره

پدیدآورنده (ها) : محمص، مرضیه؛ رضازاده، یونس

میان رشته ای :: همایش قرآن و روان شناسی :: دوره ۱؛ ۱۳۹۹/۰۴/۲۲ - ۱۳۹۹/۰۴/۲۴

صفحات : از ۲۶۵ تا ۲۷۵

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1795599>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۲/۰۴/۲۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- قدرت و جنسیت در اخلاق و فقه زرتشتی دوره ی ساسانی
- بررسی روند تحولی چگونگی کاربری از تلفن همراه در دانش آموزان دبستانی
- راه کارهای درمان حسادت از دیدگاه اسلام و روان شناسی
- مقایسه رشد اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبایی و کولبرگ
- بررسی رابطه ساده و چندگانه صفات طیف اوتیسم و وسواس جبری در دانش-آموزان دختر دوره راهنمایی شهر یزد
- بررسی روابط ساختاری طرحواره‌های ناسازگار اولیه و عامل‌های شخصیتی با سازگاری زناشویی
- مقایسه الگوی همبودی اختلال وسواسی- اجباری در کودکان و بزرگسالان مبتلا به اختلال دو قطبی نوع یک
- مصرف تلفن همراه توسط نوجوانان: آسیب شناسی و روش های فرهنگی و فنی مقابله
- تحلیل نظریه رشد اخلاقی کولبرگ با رویکرد قرآنی
- زمینه های روابط فرازناشویی در ایران؛ مطالعه موردی شهر تهران
- پیش‌بینی خیانت زناشویی بر اساس کیفیت زندگی زناشویی و پنج عامل بزرگ شخصیتی
- جنسیت و اخلاق مراقبت در فلسفی اخلاق فمینیستی

مبانی اسلامی حدود رازداری در فرآیند مشاوره

مرضیه محمص^۱، یونس رضازاده^۲

چکیده

رازداری به مثابه یکی از ارکان تعامل در فرآیند مشاوره، زمینه ساز ارائه بدون تشویش تمامی اطلاعات از سوی مراجعه کننده است و به تشخیص و درمان زودهنگام اختلال می انجامد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، آیات و روایات مرتبط با اصل رازداری را مورد بررسی دقیق قرار داده و در جستجوی پاسخ به این پرسش است که مصلحت های فردی و اجتماعی رازداری در فرآیند مشاوره کدامست؟ یافته های پژوهش حاکی از آن است که رضایت مراجعه کننده، احتمال خطر فردی و اجتماعی، وجود حکم قضایی، توصیه متخصصان و توجه به حقوق والدین مراجعه کننده، در زمره مهمترین موضوعاتی است که مرزهای رازداری را ترسیم می نماید. بدین ترتیب هر چند مطابق آموزه های اسلامی، حفظ اسرار مراجعه کننده بر مشاوران ضرورت دارد، لکن در صورت تحقق مصلحت هایی قوی تر، افشای راز جواز می یابد.

واژه های کلیدی: مشاوره، رازداری، مبانی اسلامی، افشای راز

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی دانشکده الهیات و ادیان. M_mohases@sbu.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری رشته مدرسی معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی. Younesfmgtc@gmail.com

مقدمه

انسان هر قدر هم که از نظر فکری ترقی کرده و تجربه کسب کرده باشد، نمی تواند به تمامی ابعاد و زوایای یک مسئله اشراف پیدا کند. انسان با تبادل نظر و استفاده از آراء و اندیشه های دیگران از هدر رفت زمان نیز جلوگیری می کند. بنابراین مشورت و نظرخواهی از افراد متخصص و ناصح می تواند کلید حل بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی باشد.

یکی از اصول حرفه ای در امر مشاوره، رازداری است. در واقع، رازداری وسیله امنیت و حفظ حریم شخصی مراجعه کننده بوده، استقلال و خودمختاری او را مورد حمایت قرار می دهد. از این رو، رازداری را شالوده مشاوره کارآمد، تلقی می کنند. البته رازداری هم موضوعی قانونی و هم یک موضوع اخلاقی است.

راز در لغت به معنای « نهانی و آنچه در دل نهفته باشد » است. (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۱۳، ص ۹۸). راز در اخلاق تنها شامل عیوب نمی شود زیرا گاهی راز حاوی عیب نیست ولی افشای آن موجب آبروریزی و ایذا می شود. افشای راز خواه به گفتار باشد یا به نوشتار یا به رمز و اشاره، و خواه آن چه نقل می شود از اعمال باشد یا از اقوال، و خواه عیب باشد یا غیر آن، این عمل افشای راز محسوب شده و صاحب آن نزد عقل و عقلا مذموم است.

برخلاف بعضی ردائل اخلاقی که استثنائاتی برای آن در کتب اخلاقی ذکر شده، در افشای راز هیچگونه استثناء بیان نشده است. در مقابل افشای راز، کتمان راز و سر نگهداری است که در روایات از صفات پسندیده شمرده شده است. (نراقی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۶۵-۳۶۶)

نظامنامه اخلاق حرفه ای سازمان نظام روانشناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران در بخش دوم، بند چهارم در عنوان رازداری به اصول و ضوابط رازداری پرداخته است. در این بند به مواردی چون محافظت از اطلاعات محرمانه، اجتناب از دریافت اطلاعات اضافی، جلوگیری از سوء استفاده از گزارشات ثبت شده، رضایت کتبی برای ضبط جلسات پرداخته و در انتها موارد جواز نقض رازداری از سوی روانشناسان و مشاوران را بیان می نماید. (سازمان نظام روانشناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱)

رازداری در فرایند مشاوره و پس از آن، موجب جلب اعتماد مراجعه کننده می شود. اگر مشاور بدون اذن و هماهنگی، راز مراجعه کننده را حفظ ننموده و آن را افشا کند، صدمات و عواقب نامطلوب و گاه جبران ناپذیری هم چون: ریخته شدن آبرو و هتک حیثیت افراد، سلب آرامش روحی و روانی مراجعه کننده یا اطرافیان، ایجاد روح بی اعتمادی و بدبینی به حرفه و سرایت آن به جامعه و به مخاطره افتادن امنیت اجتماعی را در پی خواهد داشت و در نهایت، کار به نتیجه مطلوب خود نخواهد رسید. (عروتی موفق، ۱۳۹۶، صص ۱۵-۱۸).

در نظام نامه اخلاقی سازمان نظام روان شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران مصوب شهریور ماه ۱۳۸۶ مسئله رازداری مورد توجه ویژه قرار گرفته است؛ و نیز در نظام نامه های اخلاقی مشاوران سایر کشورها از جمله در نظام نامه اخلاقی انجمن مشاوره آمریکا نیز رازداری مهم ترین مسئله اخلاقی بوده، و در ضمن آن به چند روش رازداری و برخی مصادیق مبتلی به پرداخته شده است.

با توجه به آثار سوء افشای راز مراجعه کننده در بُعد فردی و اجتماعی، درک دقیق و صحیح از موارد استثناء کمک بسزایی در حفظ جایگاه مشاور و جلب اعتماد مراجعه کنندگان می نماید.

پژوهش حاضر در راستای بررسی مبانی قرآنی و روایی حدود رازداری در فرآیند مشاوره انجام گرفته است و سوالات پژوهش عبارتند از این که مصالح فردی و اجتماعی در رعایت حدود رازداری مشاوران کدامست؟ در این نوشتار با بهره گیری از قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام، مصالح فردی و اجتماعی رازداری مورد بررسی قرار گرفته است.

در ارتباط با حدود رازداری پیش تر نیز تحقیقاتی توسط سایر پژوهشگران انجام شده است. اکبر عروتنی موفق در مقاله ای با عنوان «تحلیل اخلاقی مسئله افشای سر در فرآیند مشاوره (با رویکرد اسلامی)» (۱۳۹۶) به صورت مفصل به توصیف و ضرورت رازداری در فرآیند مشاوره می پردازد ولی در تطبیق و تحلیل موارد جواز نقض رازداری کاستی هایی یافت می شود. هم چنین، احمد امامی راد و علی نقی فقیهی در مقاله ای با عنوان «مقایسه مسائل اخلاقی، رازداری و تقوا و دوری از شهوت پرستی در مشاوره اسلامی و نظام نامه اخلاقی انجمن مشاوره آمریکا» (۱۳۸۹) به مقایسه عناصر «رازداری» و «تقوا» و «دوری از شهوت پرستی» در مشاوره اسلامی و نظام نامه اخلاقی انجمن مشاوره آمریکا پرداخته است. ایشان مواردی را به عنوان موارد مجاز نقض رازداری بیان کرده اند؛ که البته به نظر می رسد به برخی موارد بیان شده اشکالاتی وارد باشد.

یافته ها: ضرورت نقض رازداری در شرایط خاص

با عنایت به ضرورت و مصلحت های فردی و اجتماعی رازداری، گاهی در مقام عمل با اموری مواجه می شویم که مصالح آن امور با مصالح رازداری در تعارض و تزااحمند و به ناچار ملزم به تقدیم و ترجیح یکی از طرفین هستیم.

این مسئله در علوم مختلف مطرح شده و هر کدام از منظرهای متفاوت به آن نگریسته اند. در اخلاق حرفه ای با عنوان تعارض های اخلاقی یا به اصطلاح (Moral conflicts) و در اصول فقه با عنوان تزااحم به بحث و بررسی این موضوع پرداخته اند.

هر انتخابی بر پایه معیار و ملاکی بنا شده است، صرف نظر از این که آن تصمیم از چه مأخذی گرفته شده باشد ممکن است عقل، شرع یا عرف آن را تأیید نماید. گاهی پیامدها و آثار یک عمل چند سویه و دارای احکام متفاوت است که رعایت یکی مستلزم نقض دیگری است. دروغ مصلحت آمیز، شکنجه و ترور مخالفان یک حکومت مشروع و دادن رشوه برای رسیدن به حق خویش، نمونه هایی از اعمال دارای پیامدهای دوگانه اند.

فلاسفه اخلاق مسأله تعارض را در دو مقام مورد بررسی قرار می دهند: یکی مقام داوری و تشخیص تکالیف اخلاقی (تعارض فضائل) و دیگر در مقام عمل به تکالیف اخلاقی (تزااحم فرائض) و برای تشخیص موارد جواز و ترجیح یک معیار به قواعدی موسوم به دکترین آثار دوگانه (DDE¹) رجوع می کنند. این قواعد عبارتند از:

- خوبی یا حداقل خنثی بودن طبیعت و نفس عمل
- قصد عامل، خواه به عنوان وسیله و خواه به عنوان هدف، تحقق نتایج خوب باشد نه نتایج بد.
- آثار و پیامدهای (مستقیم و غیرمستقیم) خوب عمل، بر آثار بد آن به اندازه ای غلبه داشته باشد که انجام آن را موجه نماید. (بهرامی و فرامرزقراملکی، ۱۳۹۱، ص ۳۶)

¹ The principle of double effect

معیارهای اخلاقی، راهبردی برای تشخیص درست از نادرست است؛ لیکن این معیارها علاوه بر این که ممکن است در درون قلمرو خود اخلاق تعارض هایی را منجر شوند، چه بسا با معیارهای حوزه های دیگر مانند باورهای عرفی، الزامات قانونی نیز تعارض می یابند؛ در چنین موضعی، تشخیص وظیفه سهل و آسان نیست. (بهرامی و فرامرزراملکی، ۱۳۹۱، ص ۳۷)

در حوزه علوم اسلامی، عالمان اصول فقه این مسئله را در باب «تزامم» مورد گفتگو قرار داده اند. در تعریف اصطلاح التزامم آمده است: هرگاه در مقام عمل و اجرا، دو حکم که از نظر شارع هر دو دارای ملاک هستند به صورت اتفاقی جمع شوند به نحوی که مکلف نتواند هر دو را در زمان واحد امتثال کند، التزامم میان دو حکم رخ داده است؛ به عبارت دیگر، تنافی دو حکم دارای ملاک، به سبب عدم قدرت مکلف در جمع میان آنها در مقام امتثال. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۲۶)

تفاوت تعارض و التزامم در اصول فقه در مقام جعل و امتثال است به این وجه که در تعارض دو حکم در مقام جعل و تشریح با یکدیگر تمناع داشته باشند، که البته وقوع این امر از سوی شارع حکیم محال است؛ اما در التزامم، جمع میان دو حکم شارع در مقام اجرا و امتثال از سوی مکلف ممکن نباشد؛ لذا تعارض مربوط به ادله و التزامم مربوط به امتثال است.

در حل التزامم یکی از بهترین شیوه ها، ملاحظه نتایج افعال با توجه به غایت نهایی (قرب الهی) یا همان بهره بری از قاعده «تقدیم اهم بر مهم» است. بهترین دلیل تقدیم اهم بر مهم، عقل عملی است که آراء و سیره عقلاء هم با آن تطابق دارد. این قاعده را از مستقلات عقلیه برشمرده اند. (رضوانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰)

علمای اصول فقه در باب التزامم و تشخیص اهم بر مهم، شاخص هایی عقلی و شرعی بیان نموده اند که می توان آن ها را در طرق زیر دسته بندی نمود:

۱. درجه بندی مصالح

هر حکمی که از سوی خداوند بر بندگان جعل می شود با عنایت به مصلحتی است؛ مصالح دارای مراتبی هستند که برخی بر برخی دیگر مقدم است.

مصالح ضروری (مصالحی که گریزی از آن ها نیست و بدون آنها در مقاصد پنج گانه شارع یعنی حفظ جان، مال، دین، نسل و ناموس اخلاص پدید آید مانند: حرمت کفر، قتل، زنا، سرقت و شرب خمر) بر مصالح حاجی (مصالحی که برای رفع نیاز لازمند ولی به مقاصد پنج گانه شارع لطمه نمی زنند مانند: مباح بودن شکار، احکام بیع) و مصالح تحسینی (مصالحی که رعایت آن ها سبب بهتر شدن زندگی می شود مانند آداب خوردن و آشامیدن) به ترتیب مقدم است.

مصالح اخروی بر مصالح دنیوی مقدم است و نیز از حیث شمول افراد، مصالح عام تر بر مصالح اخص تقدم دارد.

۲. براساس انواع واجب و حرام

یکی از راه های حل التزامم توجه به انواع واجب و حرام است. به عنوان مثال از نظر شارع واجبی که بدل ندارد بر واجبی که بدل دارد و لو بدل اضطراری مقدم است، واجب عینی بر واجب کفائی مقدم است و نیز واجب مضیق بر واجب موسّع تقدم دارد.

۳. براساس درجه بندی احکام تکلیفی

حکم تکلیفی به پنج نوع تقسیم می شود: وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه. این خود یکی از راه هایی است که اصولیون در حل نزاحات احکام استفاده نموده اند.

حضرت علی (ع) می فرمایند: «عمل مستحب انسان را به خدا نزدیک نمی گرداند، اگر به واجب زبان رساند.» (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ص ۶۳۳)

در نزاحم میان مستحبات مرحوم آخوند خراسانی می گوید: «در صورتی که هیچ کدام اهم نباشد، حکم به تخییر می شود. ولی اگر یکی اهم باشد، مقدم می شود، گرچه عمل به طرف مهم هم درست است، چنان که در نزاحم بین واجبات نیز، عمل به مهم و ترک اهم درست است.» (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۱۹۸)

۴. تقدیم امر محتمل الأهمیه

هرگاه هنگام نزاحم مرجحی خاص برای یک طرف نیافتیم از لحاظ عقلی همین که به یک طرف احتمال اهمیت بدهیم کفایت می کند. (رضوانی، ۱۳۹۲، صص ۱۱-۱۷)

بحث: شاخص های اخلاقی در جواز افشای راز

معمولاً هم در روابط مشاوره ای و هم در روابط دوستانه، افرادی که در جستجوی کمک می باشند، نیازمند اطمینان خاطر هستند که راز ایشان فاش نمی شود. هرچند میان رابطه مشاوره ای و دوستی شباهت هایی یافت می شود، اما تفاوت های ویژه ای نیز بین این دو رابطه وجود دارد که مشاور را ملزم به رعایت برخی ضوابط خاص می نماید. اول این که هر صحبتی که میان مشاور و مراجعه کننده رد و بدل می شود محرمانه است، مهم نیست که صحبت آن ها تا چه حد ابتدایی و عادی باشد.

دوم این که، مراجعه کننده، بیش تر مطالبی کاملاً محرمانه را به مشاوران خود می گویند که حتی با نزدیکترین دوستان خود نیز مطرح نمی کند.

سوم این که، مراجعه کننده معمولاً تصور می کنند که می توانند به مشاوران اعتماد کنند، بنابراین مرحله پرسش برای کسب اطمینان در رازداری را حذف می کنند.

چهارمین تمایز، مربوط به تفاوت نقض رازداری از سوی مشاوران و دوستان است. اگر دوستان نقض رازداری کنند، فقط رابطه دوستی آن ها به خطر می افتد و برای آن ها هیچ نوع تحریم حرفه ای یا قانونی وجود ندارد، اما اگر یک مشاور رازداری را رعایت نکند، عواقب قانونی و حرفه ای منفی بر روابط مشاوره ای او می گذارد.

علاوه بر رعایت موارد فوق، از نظر اخلاقی مشاوران هرگز نباید در ملاء عام در مورد مراجعه کننده خود صحبت کنند؛ حتی هنگامی که به نظر می رسد صحبت کردن درباره مراجعه کننده، به او آسیبی نمی زند، زیرا کسانی که صحبت مشاور را می شنوند، مطمئناً به رفتار حرفه ای او شک می کنند.

امروزه در کشورهای پیشرفته، ضوابط اخلاقی یا نظام نامه اخلاقی یک حرفه، این گونه تصمیم گیری ها را برای متخصصان بهداشت روانی تا حدودی مشخص نموده است. هر چند به طور واضح به همه موارد اشاره نشده و یا جزئیات بیان نگردیده است، ولی رجوع به نظام نامه اخلاقی همراه با قضاوت حرفه ای مشاور، می تواند بسیار کمک کننده باشد. (حسینیان، ۱۳۸۵، صص ۸۸-۹۲)

در ذیل به بررسی تعدادی از موارد جواز نقض رازداری که در نوشته های مختلف به آنها اشاره شده یا مورد تردیدند، می پردازیم تا بتوانیم درک صحیح و دقیق تری از مسئله داشته باشیم.

الف) رضایت مراجعه کننده

مراجعه کننده‌ها آزادند بر روی اطلاعات شخصی و حریم خصوصی خودشان کنترل داشته باشند. هر مراجعه کننده‌ی حق دارد که رازهای خویش را در هر جا و نزد هر شخصی که بخواهد فاش نماید. ضوابط اخلاقی ACA این موضوع را به این صورت بیان می‌کند که حق محرمانه بودن، می‌تواند توسط مراجعه کننده یا نماینده حقوقی او لغو شود؛ بنابراین روانشناسان، مجازند اطلاعات محرمانه را با رضایت بیماران یا اشخاص یا مراجعه کننده‌ها سازمانی فاش کنند، مگر این که توسط قانون منع شده باشند.

در برخی کشورها مراجعه کننده‌ها حق رازداریشان را برای بهره‌مندی از هزینه‌های خدمات سلامت روانی لغو می‌کنند. به علاوه مراجعه کننده‌ها می‌توانند به یادداشت‌های مشاوره‌ای در مورد خودشان دسترسی یابند. نظامنامه اخلاقی ACA این موضوع را این گونه بیان می‌کند که مشاوران قبول دارند که یادداشت‌های مشاوره به خاطر نفع مراجعه کننده‌ها نگهداری می‌شود، بنابراین، زمانی که یادداشت‌ها توسط مراجعه کننده‌ها درخواست می‌شود، دسترسی به آن یادداشت‌ها و رونوشت را فراهم می‌آورند. (حسینیان، ۱۳۸۵، صص ۹۳-۹۴)

البته نکته قابل توجه آن است برخی امور که به عنوان حق تلقی می‌شوند در واقع از احکام تکلیفی هستند که رعایت آن بر هر شخصی واجب است. (فروغی، ۱۳۹۱، ص ۳)

شارع مقدس، مراجعه کننده را از ضرر رساندن به خود منع نموده است، «خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید!» (بقره: ۱۹۵) لذا مراجعه کننده مجاز نیست در صورتی که افشای اسرار او منجر به ضرری واضح علیه او شود، به کسی اذن افشای آن را بدهد.

حفظ آبرو که از احکام تکلیفی است و شارع، مکلفین را از موجبات ریختن آبرو منع نموده است. لذا در صورتی که اذن به افشای اسرار از سوی مراجعه کننده موجب ریختن آبروی خود او باشد، نه مراجعه کننده مجاز است چنین اجازه‌ای دهد و نه مشاور می‌تواند چنین درخواستی داشته باشد.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «آبروی خود را آماج تیر گفتار دیگران قرار نده.» (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ص ۶۱۱)

در شرایطی هم که افشای راز مراجعه کننده لطمه‌ای به مراجعه کننده وارد نمی‌کند ولی مصلحتی نیز در پس رضایت به افشای راز او نیست، درخواست افشای راز مراجعه کننده از سوی مشاور خارج از رفتار حرفه‌ای مشاور است.

در نتیجه مشاور در صورتی می‌تواند درخواست افشای اسرار مراجعه کننده را داشته باشد که مصلحتی خاص چنین اقتضایی را داشته باشد، مانند رجوع به متخصص دیگر جهت مشورت.

ب) احتمال آسیب فردی و اجتماعی

همانگونه که پیش از این بیان شد در شریعت اسلام مقاصد پنجگانه الهی (حفظ جان، مال، دین، نسل و ناموس) از مصالح ضروری شمرده شده و اهمیت فوق العاده‌ای دارند. در این بین حفظ جان افراد از مهم‌ترین امور است، تا جایی که خداوند متعال قتل ناحق یک انسان را به مثابه قتل تمام انسان‌ها بر می‌شمارد.

«هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته» (مائده: ۳۲)

اگر نقض رازداری با امنیت جانی مراجعه کننده یا اطرافیان در ارتباط باشد به طوری که چاره آن فقط نقض رازداری توسط مشاور باشد، در این صورت به حکم قاعده اهم فالاهم می توان نقض رازداری را در حد ضرورت لازم شمرد.

و نیز در صورتی که حرمت و آبروی فرد یا گروهی در میان باشد چنانکه مشاور بتواند با نقض رازداری جلوی این آبروریزی و هتک حرمت را بگیرد، با توجه به اهمیت فوق العاده حرمت و آبروی افراد که در برخی روایات آن را بالاتر از حرمت مکه می شمارد (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۷)، نقض رازداری لازم به نظر می رسد. پیامبر گرامی اسلام (ص) درباره اهمیت آبروی مؤمن می فرمایند: «ای مردم! همانا خونتان، اموالتان و آبرویتان تا روزی که خداوند را ملاقات می کنید بر شما حرام است، چنان که این روز، این ماه (ایام حج) و این شهر (مکه) حرام است.» (قمی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۷۱)

در صورت تعارض آبروی مراجعه کننده با دیگران به این صورت که حفظ راز مراجعه کننده، خطر آبرویی برای دیگری دارد و افشای آن، آبروی مراجعه کننده را به خطر می اندازد، لازم است قاعده «الأهم فالأهم» رعایت شود.

در صورتی که حفظ راز مراجعه کننده خطر اجتماعی به دنبال داشته باشد و موجب آسیب رساندن به فرد یا گروهی شود، مشاور ملزم است با توجه به حفظ مصالح اجتماع و اصل عدم آسیب رسانی، راز مراجعه کننده را به حد ضرورت فاش نماید.

در «قاعده لا ضرر» هر عملی که موجب آسیب رساندن به دیگران باشد در شریعت اسلام نفی شده است. (مصطفوی، ۱۴۲۱، ص ۲۴۳) بدین وجه در صورتی که مراجعه کننده در صدد آسیب رساندن به فرد یا گروهی باشد و مشاور با در نظر داشتن قاعده «اهم فالاهم» بتواند مانع آسیب رسانی شود، لازم است اقدام نماید. مواقعی که اطلاعات مشاور تأیید کند که مراجعه کننده بیماری مسری و خطرناکی دارد، افشای راز مراجعه کننده به شخص ثالث که ارتباطش با مراجعه کننده در خطر شدید ابتلا به بیماری است، توجیه پذیر است. مشاور پیش از افشای راز مراجعه کننده در خصوص بیماری، لازم است از رعایت موارد ذیل اطمینان حاصل کند:

الف) وجود شخص دیگر مرتبط با مراجعه کننده که امکان آسیب دیدن از مراجعه کننده را داشته باشد.

ب) شخص ثالث خود از این امر آگاه نباشد.

ج) با وجود درخواست مکرر مشاور از مراجعه کننده، او خود نسبت به اطلاع رسانی به شخص ثالث اقدام نمی کند. (امامی راد و فقیهی، ۱۳۸۹، ص ۴۴)

همچنین در صورتی که مشاور اطلاع یابد که مراجعه کننده غیرمسلمان یا مفسد، قصد ایجاد فتنه یا آسیب رساندن به دیگری را دارد از آن جایی که قرآن کریم مفسده فتنه را از جان آدمی بالاتر می شمارد «و فتنه از کشتار هم بدتر است» (بقره: ۱۹۱) مشاور ملزم به رعایت اصل رازداری نیست.

د) وجود حکم قضائی

تنفیذ و اجرای حکم قاضی جامع الشرائط برای دیگران واجب است. (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱۰، ص ۴۰) در مقبوله عمر بن حنظله آمده است: «همانا من او را حاکم شما قرار دادم و اگر چنین شخصی حکمی به احکام ما صادر

کرد ولی حکم او را قبول نکند، حکم خدا را سبک شمرده است و ما را رد کرده است و کسی که ما را رد کند خدا را رد کرده است و این در حد شرک به خداوند است.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۷)

«هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد؛ و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است!» (احزاب: ۳۶)

لذا در صورتی که قاضی برای حل پرونده ای نیاز به اطلاعاتی از مراجعه کننده داشته باشد می تواند دستور به افشای راز مراجعه کننده در خصوص پرونده را بدهد، در این صورت بر مشاور لازم است که مطابق قانون موارد لازم را به دادگاه اعلام نماید. البته در صورتی که ضرورت این حکم برای مشاور روشن نباشد، مشاور می تواند از دادگاه درخواست کند به دلیل آسیب احتمالی به مراجعه کننده یا رابطه مشاوره ای این کار الزامی نباشد.

ه) توصیه متخصصان

برخی قائل اند (امامی راد و فقیهی، ۱۳۸۹، ص ۳۸؛ عروتی موفق، ۱۳۹۶، ص ۲۴) در صورتی که مشاور در فرایند مشاوره نیازمند یاری و نظر خواهی از مشاور یا متخصص دیگری باشد، می تواند از باب مشورت با رعایت شرایط، رازداری را نقض نماید.

ظاهراً مصلحت این موضوع بر مصالح اصل رازداری اولویت ندارد و چنین استثنائی ضروری نیست. در اکثر مواقع مشاور می تواند بدون تعیین هویت مراجعه کننده و با تغییر شکل داده ها از مشاور یا متخصص دیگر نظر خواهی نماید؛ در صورتی که مشاور نتواند بدون افشاء هویت مراجعه کننده اقدام نماید لازم است شرایط و ضرورت نظر خواهی را برای مراجعه کننده شرح داده و رضایت مراجعه کننده را جلب نماید و در صورت عدم رضایت مراجعه کننده و عدم امکان حل مسئله بدون نظر خواهی، از ادامه مشاوره منصرف شوند.

ه) تربیت کودک

احترام به حریم خصوصی کودکان از جمله حقوق کودکان محسوب می شود. راز از جمله حریم خصوصی کودک است که به مانند امانتی نزد مشاور است، خیانت در امانت حتی درباره کودکان نیز ناپسند است. خصوصاً در مورد کودک ممیز که عمومیت ادله رازداری، شامل او می شود. (انصاری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۱۹) و نیز افشای راز او باعث ایجاد روح بی اعتمادی در نهاد کودک می شود.

از سوی دیگر تربیت همانند حریم خصوصی، حقی برای کودک و تکلیفی برای والدین محسوب می شود. بند ۲ ماده ۱۴ کنوانسیون حقوق کودک، احترام به حقوق و وظایف والدین و سایر سرپرستان قانونی کودک در هدایت کودک در جهت اعمال حقوق وی را به صورتی که باعث اعتلای استعدادها و توانایی های کودک شود، ضروری دانسته است.

بنابراین احترام به حریم خصوصی کودک مشروط به عدم تعارض آن با حق کودک بر تربیت است که بر عهده والدین اوست. در تعارض این دو حق، تربیت کودک در جهت حمایت کودک در مقابل اعمال زیان بار روحی، معنوی و اخلاقی در اولویت قرار دارد. (اسدی، ۱۳۸۸، ص ۳۸)

سرپرست کودک از باب حق تربیت کودک می تواند در انتخاب مشاور کودک دخالت نماید و او را از رجوع به مشاوره خاص منع نماید. از سوی دیگر مشاور می تواند در صورت ضرورت، مطالب مرتبط با تربیت کودک را در اختیار سرپرست ایشان قرار دهد.

برخی رضایت قییم قانونی کودک را مجوز افشای راز کودک شمرده اند (سازمان نظام روانشناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱)، در صورتی که حریم خصوصی کودکان تا زمانی که با حق تربیت والدین تعارض نداشته باشد محترم است و رضایت قییم قانونی کودک نمی تواند مجوزی برای افشای راز کودک نزد دیگران باشد.

افراد دارای بیماری عقب ماندگی ذهنی با توجه به اختلاف ایشان در تمییز به مانند کودک رازشان نزد مشاور به امانت است و احترام به حریم خصوصی شامل ایشان نیز می شود.

نتیجه گیری

از مجموعه مطالب پیشگفته چنین حاصل می شود :

رازداری یکی از اصول حرفه ای پراهمیت در امر مشاوره، روان شناسی و مشاغل نظیر آن است؛ لذا در منشور اخلاقی روانشناسان و مشاوران کشورهای مختلف مورد توجه ویژه قرار گرفته است.

اخلاق حرفه ای ایجاب می کند مشاوران همواره اطلاعات لازمی را که در فرایند مشاوره بدست می آورند به مثابه امانت در نظر بگیرند. و زمینه افشای اسرار مراجعین را در محافل خصوصی و مجامع عمومی فراهم ننمایند.

با عنایت به ضرورت و مصلحت های فردی و اجتماعی رازداری، گاهی در مقام عمل با اموری مواجه می شویم که رعایت مصالح آن امور بر مصالح رازداری اولویت دارد، که از آن جمله می توان موارد ذیل را نام برد:

- بنابه رضایت مراجع در صورتی که افشای راز موجب آسیب به مراجع نشود؛ مانند مواقعی که مشاور جهت پیشبرد فرایند مشاوره نیاز به مشورت با متخصص دیگر داشته باشد.
- احتمال آسیب های فردی یا اجتماعی مانند حفظ جان، حفظ آبرو، بیماری مسری و ...
- وجود حکم قضایی
- اولویت تربیت کودک توسط والدین بر حفظ حریم خصوصی کودک.

منابع

آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین. (۱۴۰۹). کفایة الأصول (ج ۱-۱). قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲). الخصال (ج ۱-۲). قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۶۳). تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم. (علی اکبر غفاری، محقق) (ج ۱-۱). قم: جامعه مدرسین.

- اسدی، لیلادادات. (۱۳۸۸). حریم خصوصی کودک و حق والدین بر تربیت. فقه و حقوق خانواده، ۵۰(۱۴)، ۲۷-۴۵.
- امامی‌راد، احمد؛ و فقیهی، علی‌نقی. (۱۳۸۹). مقایسه‌ی مسائل اخلاقی رازداری تقوا و دوری از شهوت پرستی در مشاوره‌ی اسلامی و نظام نامه‌ی اخلاقی انجمن مشاوره‌ی امریکا (ACA). روان‌شناسی و دین، ۱۲(۳)، ۳۳-۶۰.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین. (۱۴۰۹). کتاب المکاسب (ج ۱-۶). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). المحاسن (ج ۱-۲). قم: دار الکتب الإسلامیة.
- بهرامی، محسن؛ و فرامرزراملکی، احد. (۱۳۹۱). تحلیل مفهومی تعارضات اخلاقی. مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، ۲۳(۵)، ۳۲-۴۴.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم (ج ۱-۱). قم: دار الکتب الاسلامیة.
- حسن بن علی (ع)، امام یازدهم. (۱۴۰۹). التفسیر المنسوب إلى الإمام أبي محمد الحسن بن علی العسکری علیهم السلام (ج ۱-۱). قم: مدرسه الإمام المهدی (علیه السلام).
- حسینیان، سیمین. (۱۳۸۵). اخلاق در مشاوره و روان‌شناسی (مبانی و اصول) (ج ۱-۱). تهران: کمال تربیت.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۴۱). لغت نامه دهخدا (ج ۱-۳۴). تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۰۸). أعلام الدین فی صفات المؤمنین (ج ۱-۱). قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام).
- رضوانی، علی. (۱۳۹۲). شاخص های تقدیم اهم بر مهم در تراجم های اخلاقی. معرفت اخلاقی، ۱۳(۴)، ۱۸-۵.
- سازمان نظام روانشناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۷). نظامنامه اخلاقی. تازه های روان درمانی، ۴۹-۵۰(۱۳)، ۱۴۸-۱۳۶.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۹). نهج البلاغه. (محمد دشتی، مترجم) (ج ۱-۱). قم: مشهور.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱-۲۰). بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰). مکارم الأخلاق (ج ۱-۱). قم: الشریف الرضی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۵). مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار (ج ۱-۱). نجف اشرف: المطبعة الحیدریة.
- عروتی‌موفق، اکبر. (۱۳۹۶). تحلیل اخلاقی مسئله افشای سر در فرآیند مشاوره (با رویکرد اسلامی). پژوهش نامه اخلاق، ۳۶(۰)، ۲۸-۷.
- فروغی، علیرضا. (۱۳۹۱). آثار و ویژگی های حق از دیدگاه فقه امامیه و قانون مدنی. دانش حقوق مدنی، ۱(۱)، ۱-۱۴.
- فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۲۸). المحجة البيضاء. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۳). تفسیر القمی. (طیب موسوی جزائری، محقق) (ج ۱-۲). قم: دار الکتب.
کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. (علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، محققین) (ج ۱-۸).
تهران: دار الکتب الإسلامية.
مصطفوی، سید محمدکاظم. (۱۴۲۱). القواعد (ج ۱-۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه
مدرسین حوزه علمیه قم.
مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳). الإختصاص. (علی اکبر غفاری و محمود محمدی زرنندی، محققین)
(ج ۱-۱). قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (ج ۱-۲۸). تهران: دار الکتب الإسلامية.
مکارم شیرازی، ناصر؛ و دیگران. (۱۳۸۵). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (علیه
السلام).
ملکی میانجی، محمدباقر. (۱۴۱۴). مناهج البیان فی تفسیر القرآن (ج ۱-۳۰). تهران: وزارت فرهنگ
و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. (ابراهیم سلطانی نسب، محقق)
(ج ۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
نراقی، محمد مهدی. (۱۳۶۶). علم اخلاق اسلامی: ترجمه کتاب جامع السعادات. تهران: حکمت.
هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۰۵). بحوث فی علم الأصول. قم: المجمع العلمی للشهید الصدر.